



# از اتم تابی نهایت

دانشمند

دکتر مسعود علی محمدی،

به روایت منصوره کرمی همسر شهید

گفت و گو و تدوین:

زرگین هاداد مظلومی

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)



سرشناسه: کرمان، منصوره، ۱۳۴۱-گردآورنده عنوان و نام پدیدآور؛ از اتم تاب‌ناهیات؛ دانشمند شهید دکتر مسعود علیمحمدی، به روایت منصوره کرمانی همسر شهید/گفتگو و تدوین نرگس سادات مظلومی مجری طرح؛ خانه هنر و رسانه پیشرفت، مشخصات نشر؛ قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، مشخصات ظاهری: ۲۶۴ص فرست؛ کتاب فیروزه‌ای شایک؛ ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۱-۶۲۷-۶ وضعیت فهرست نویسی؛ فیبا موضوع؛ علیمحمدی، مسعود، ۱۳۳۸ - ۱۳۸۸، موضوع؛ کرمان، منصوره، ۱۳۴۱ -- خاطرات موضوع؛ سازمان انرژی اتمی ایران -- شهیدان موضوع؛ Martyrs -- Iran -- Dairies -- Iran -- Martyrs' spouses -- Iran -- Victims of terrorism -- Iran \* ایران -- خاطرات/شناسنامه افزودن؛ مظلومی، نرگس سادات، ۱۳۴۷- موضوع؛ همسران شهیدان -- ایران -- خاطرات/شناسنامه افزودن؛ مظلومی، نرگس سادات، ۱۳۴۷- قربانیان نوربسم - ایران \* نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف شناسه افزودن؛ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف رده بندی کنگره: DSR169A رده بندی دیویی: ۹۵۵/۸۴۵۰۳ شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۱۸۰۹



## از اتم تاب‌ناهیات

- نویسنده: نرگس سادات مظلومی ■ ویراستاران: سید محمد بصام
- طراحی جلد: حسین رحمانی ■ صفحه‌آرا: محمد صادق صالحی
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۱-۶۲۷-۶
- قیمت: ۱۸۰/۰۰۰ تومان


دفتر نشر معارف قم، خیابان شهدا، کوچه ۴۴، استان قم، تلفن و نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۰۴

مدیریت پخش (مرکزی) قم، شرکت پاتوق کتاب، تلفن: ۰۲۵-۳۱۰۷۷

مراکز پخش

- اراک: ۰۲۲۲۹۰۳۸-۰۸۶ ارومیه: ۰۶۰۳۸۷۸۴-۰۱۴۴ اصفهان: ۰۸۰۳۵۰۹۸-۰۹۱۳
- اهواز: ۰۶۱-۳۲۲۳۸۰۰۰ بابل: ۰۱۱-۳۵۳۰۵۳۵۵ بجنورد: ۰۲۲۵۶۲۲۱-۰۵۸
- بردسکن: ۰۵۱-۵۵۴۴۰۱۲۱ بندرعباس: ۰۲۳۶۱۷۵۵۷-۰۷۶ بیرجند: ۰۲۴۵۸۵۱۲-۰۵۶
- تربت حیدریه: ۰۵۱-۵۲۷۸۶۵۰۰ ناصرخاوه: ۰۲۱-۸۸۱۱۱۲۱۲۱
- تهران شهید محلاتی: ۰۲۱-۲۲۴۵۸۸۰۶ دهشت: ۰۹۱۷-۶۶۳۵۸۹۶ رشت: ۰۱۳-۳۲۳۴۵۶۹
- زاهدان: ۰۵۴-۳۲۲۲۸۸۷۹ زنجان: ۰۲۴-۳۲۳۶۴۴۵ ساری: ۰۱۱-۳۲۳۴۳۰۰
- سبزوار: ۰۵۱-۴۴۲۴۴۰۰۴ سمنان: ۰۲۳-۳۲۴۵۳۲۱۱ شیراز: ۰۷۱-۳۲۳۴۴۶۱۴
- قزوین: ۰۲۸-۳۲۴۴۰۰۷۶ قم صفائیه: ۰۲۵-۳۷۷۴۵۰۰۳ قم پردیسان: ۰۵۰۹۸۹۱-۰۱۹
- کازرون: ۰۱۱۷-۶۸۱۳۰۸۲ کرمان: ۰۳۴-۳۲۳۳۱۶۶ کرمانشاه: ۰۳۳-۳۲۳۳۳۸۱۱
- گرگان: ۰۱۷-۳۲۳۳۷۸۰۰ مشهد شعبه ۱: ۰۵۱-۳۲۳۲۰۱۱۹ مشهد شعبه ۲: ۰۸۱۱-۱۳۶۰۰۱۱۱
- مشهد شعبه ۳: ۰۵۱-۳۸۵۵۸۰۱۲ ملایر: ۰۸۱-۳۲۳۳۱۷۲۶ مهاباد: ۰۱۷-۰۹۱۷۲۶۲۲
- نی‌ریز: ۰۷۱-۵۲۳۲۷۶۰ همدان: ۰۹۱۸-۸۱۵۶۱۸ یاسوج: ۰۲۴-۳۲۳۳۸۶۲۲
- یزد: ۰۳۵-۳۲۳۳۲۹۵

www.NashreMaaref.ir ; E-mail: info@nashremaaref.ir

 NashreMaaref.Official

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.



به نام خدا

در آستانه پانزدهمین سالگرد شهادت دکتر مسعود علی محمدی فخر حجاب  
کتاب ایشان برایم زبید بخش رحمت آور بود.

اصولاً وقتی با معشوق در میان است در هر لحظه باقی نماند.  
ما سبق تمام زندگی خود را متعلق به معشوق می داند.

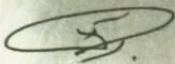
یادم می آید که مدتی قبل از حادثه شهادت مسعود، روزی به من گفتم  
که منصوره، بیا با هم دعائیم که اگر قرار شد از این دنیا برویم، با هم این دنیا  
را ترک کنیم. و بی من دامن من بی و نابردم و با تقدیر اینطور رستم خورد.  
که من با تنهایی با معشوقم او زنده بمانم.

با این حال خدا را شکر می کنم که در وقت زندگی آمدن با مسعود  
را به من داد.

و احدی ندانم که در یادگار از زنده شدن من گناه می گفتم غرق در کتاب و دست  
اسید و ارم در میان دستم، در کنار هم زندگی جاودانه داشته باشیم.

لازم می دامن از زندگی که کتاب که ما را خانم تر کس منظوری قدر دان و  
شکر خایم ایشان با دقتی و اغرویه عیوایی و جنابیت این کتاب را به  
رشته ترمیم در آورده اند.

ضمناً از خانم هنرورانه پیشرفت و تشکر می کنم که زمین ساز تهیه و چاپ  
این اثر در بر کرد است هم نشانه سپاسگزارم.

  
منصوره نوری  
آذر ۱۴۰۳

شهرک مسعود

## مقدمه

در روزهای مصادف با دوازدهمین سالگرد شهادت دکتر مسعود علیمحمدی، از طرف «انجمن هنر و رسانه پیشرفت» که متمرکز بر روایت پیشرفت‌های کشور عزیزمان هستیم، قرار شد خدمت خانم دکتر کرمی برسیم. تجربه و علاقه‌ام برای نشستن پای صحبت‌ها زیاد بود، ولی این بار تپش قلب داشتم؛ دیدن همسر دانشمند شهید، آن‌هم در منزل شخصی‌شان، برایم ویژه بود. از شهید مدد گرفتم و با تردید، زنگ در را زدم. خانم کرمی با روی باز و خنده‌ای بر لب که بعدها دیدم یار همیشگی چهره‌اش است، چنان گرم استقبال کرد که یادم رفت اولین بار است نشستیم روی مبل خانه و مشغول شنیدن صحبت‌ها هستیم. خانم کرمی تابلوفرش بزرگ روبه‌رویش که منقش به چهره دکتر بود را نگاه می‌کرد و چنان اسم مسعود را از عمق جان می‌گفت که مطمئن شدم این کار به یاری خود شهید به نتیجه خوبی خواهد رسید. قرارمدارها را گذاشتیم و جلسات گفت‌وگو را شروع کردیم. به گفته همسر شهید بارها افرادی برای مصاحبه آمده بودند، ولی پای کار نماندند. دلم گرفت از این همه کم‌کاری. تمام فضای مجازی را کنکاش کرده بودم؛ به جز



چند مصاحبه با همسر شهید و چند خبر، چیزی دستگیرم نشده بود. قول دادم که ما عزممان را جزم کرده‌ایم تا از شهید سعید و همسرش بنویسیم برای این که همگان، زمانه و زندگی‌شان را بدانند و بخوانند و بشناسند.

برای ما مهم بود بدانیم ویژگی‌های اخلاقی همسر شهید چه بوده، چطور در زندگی رشد کرده، و چه عقبه‌ای داشته که توانسته است نه تنها پایه‌پای دکتر زندگی مشترکشان را بنا کند، بلکه تشویق‌کننده باشد و با حمایت و همراهی‌اش، از مسعود علیمحمدی دانشجوی کارشناسی فیزیک دانشگاه شیراز، شهید دانشمند دکتر مسعود علیمحمدی بسازد.

بیش از شش ماه جمعه‌ها صبح، روزم را به نام دکتر علیمحمدی شروع می‌کردم و می‌بستیم بای خاطرات خانم منصوره کرمی. به قدری شیرین و بادقت صحبت می‌کردیم که صبح جمعه جایش را به ظهر می‌داد و من هر لحظه مشتاق‌تر از قبل، سراسر گوش می‌شدم. در جلساتی که از شهادت آقای دکتر شنیدم بغض و اشکِ خانم کرمی تا هفته بعد جلوی چشمانم بود. روزی که نامه‌های دست‌نوشته آقای دکتر و الی‌عکس‌ها و کیفی که به خاطر ساچمه‌ها سوراخ‌سوراخ شده بود را پیش رویم دیدم طاقتم طاق شد. اشک نه امان گفت‌وگو می‌داد و نه بنای تمام شدن داشت.

از تولد شروع کردیم و از فعالیت‌های انقلابی و ازدواجش با دکتر شنیدیم. همراه چالش‌ها و لذت‌های زندگی مشترکش با کسی شدیم که سراسر وجود و فکرش رشد علمی و خدمت به مردمش بود. از ایمان و الهام. ثمره‌های زندگی‌شان - حرف زدیم و پدری کردن و مادری کردنشان برای بچه‌ها را شناختیم.

بعد از شش ماه و بیش از پنجاه ساعت گفت‌وگو و پیاده‌سازی و رفع ابهامات و گفت‌وگوهای تکمیلی، مسئول «خانه هنر و رسانه پیشرفت»

جناب آقای پژمان عرب قرار کردند کتاب به قلم من ناتوان نوشته شود؛ کفه شوق و نگرانی ام بر هم سنگینی نمی‌کرد. به خود شهید متوسل شدم و بای بسم الله را نوشتم. حالا شب بیداری های من بود و بین الطلوعین هایی که در سکوت خانه و شهر، مرا با خاطرات زندگی مشترک شهید همراه می‌کرد. مرا غصه دارِ سختی های خانواده بعد از شهادت دکتر می‌کرد. روزها خاطرات را در ذهنم مرور می‌کردم و شب‌ها پای نوشته‌ها تا صبح می‌ماندم. گاه اشک می‌ریختم و گاه از نامردی روزگار و کم‌لطفی برخی، دندان بر هم می‌ساییدم. حدود شش ماه بعد، کتاب را خدمت خانم دکتر منصوره کرمی دادیم تا مطالعه کنند و اصلاحات لازم را تذکر دهند. بازهم با لطف بی‌نهایتشان، مرا شرمینده کردند و در چند جلسه، اصلاحات کتاب و جابه‌جایی‌ها و حذفیات را منصفانه و با در نظر گرفتن خاطرات از قلم افتاده انجام شد. همچنین از جناب آقای دکتر مجید بدرافکن و همکارانشان در «مرکز مطالعات راهبردی فرهنگی ژرفا» که حامی این اثر بودند کمال تشکر و قدردانی را داریم.

امیدوارم این بضاعتِ مُزجاتِ ما برای تقدیر و گرمی داشتن دانشمند شهید دکتر مسعود علی‌محمدی و همسر گران قدرش خانم دکتر منصوره کرمی مورد قبول حضرت حق قرار گیرد.

نرگس سادات مظلومی

خانه هنر و رسانه پیشرفت